

راهپیمانی صد هزار نفری در کپنهاک!

"عدالت زیست محیطی"، "عشق بجای گاز کرینیک"،
"نظام را باید دگرگون کرد نه محیط زیست را"



بقیه در صفحه ۳

موج سازی توطئه آمیز تازه کودتاگران

*در واکنش به ضربه ای که در ۱۶ آذر بر کودتاچیان و دستگاه
آبرویخته ولایت مطلقه فقیه وارد آمد، توطئه ای تازه.. بقیه در صفحه ۱۰

۱۶ آذر و درس هایی که باید آموخت

ارژنگ بامشاد
بقیه در صفحه ۶

زاد روز شاملوی بزرگ من به هیات "ما" زاده شدم

بقیه در صفحه ۱۲

* دیدگاه *

آیارسنجانی آینده خود را در نظامی دیگر می بیند؟

ناصر مستشار
بقیه در صفحه ۹

من هنوز یک انسانم



اگر به خانه‌ی من آمدم
برایم مداد بیاور، مداد سیاه
می‌خواهم روی چهره‌ام خط بکشم
تا به جرم زیبایی در قفس نیفتم. بقیه در صفحه ۱۱

سناریوی سیاه ارتجاع،

بی پاسخ نخواهد ماند!

ارژنگ بامشاد

وقتی که تیغ سرکوب بی ملاحظه، به سوی جنبش هدف گیری شود، نه تنها خیابان‌ها، بلکه تمامی چرخ‌های زندگی و اقتصاد کشور که در دست‌های مردم است، به ابزار مقاومت توده‌ای تبدیل خواهد شد.
بقیه در صفحه ۲

نامه های علی نجاتی

(نامه اول و نامه دوم)

رئیس هیئت مدیره سندیکای هفت تپه خطاب به کارگران

بقیه در صفحه ۴

اقدام مشترک نهادهای همبستگی با جنبش کارگری

ایران در خارج کشور در پاسخ به فراخوان علی نجاتی
دفاع از کارگران هفت تپه، دفاع از شأن انسان است بقیه در صفحه ۵

اطلاعیه شماره ۳

دومین گزارش خبری مالی - گوتنبرگ

اقدام مشترک انسانی در گوتنبرگ (سوئد)

بقیه در صفحه ۵

حمایت کارگران میدان بار سنندج

از فراخوان مالی کارگران نیشکر هفت تپه بقیه در صفحه ۶

درندگان برچه میگیرند!

حقیقتی که پشت نوحه خوانی بر "تمثال پاره پاره" پنهان است.

سوسن آرام
بقیه در صفحه ۸

نگرانی از کنترل شهرهای بزرگ!

بقیه در صفحه ۹

اگرم زینالی، مادر سعید زینالی پس از ده سال سخن می گوید

نمایندگان سازمان ملل صدای مرا بشنوید! مردم ایران و جهان به من کمک کنید!
بقیه در صفحه ۱۲

سناریوی سیاه ارتجاع، بی پاسخ نخواهد ماند!

ارژنگ بامشاد

فراگیری بودن و گسترده گی تظاهرات دانشجویان در ۱۶ آذر با شعارهای تقریباً یکسان و همسو با جنبش توده ای، لرزه بر اندام دستگاه ولایت و سپاه و دیگر ارگان های سرکوب انداخته است. دستگیری گسترده ی دانشجویان در این روز و پس از آن و به زیر شکنجه بردن فعالین شجاع جنبش دانشجویی، نشان از وحشت و برانگیخته شدن حس انتقام جونی رژیم دارد. همین ترس بود که محسنی ای اژه ای دادستان کل کشور را واداشت تا بگوید: "از امروز به بعد اعماضی صورت نخواهد گرفت". حیدر مصلحی وزیر اطلاعات نیز در سخنان تندی مخالفین را به باد انتقاد و تهدید بگیرد. فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی نیز از شدت عمل بیشتر سخن بگویند. در پاسخ به شرایطی که جامعه پس ۱۶ آذر به خود گرفته است، دستگاه ولایت و دولت دست نشانده اش به سوی سازماندهی سناریوی تازه ای روی آورده است. پخش به آتش کشیده شدن عکس خمینی در سیمای جمهوری اسلامی، موجی از اشک تمساح ریختن سازماندهی شده ی انمه جمعه شهرهای گوناگون را به دنبال داشت. سیاست قرآن بر سرسرنیزه کردن یک پار دیگر به کار گرفته شد. کاری که با واکنش سریع کروی و موسوی و موسسه نشر آثار خمینی روبرو شد. به دنبال این اقدام صدا و سیما، شایعه ی دستگیری موسوی و کروی از طریق رسانه های مجازی منتشر شد. سایت "کلمه" از "زمینه چینی برای برخی رفتارهای غیرمتعارف جدید" خبر داد. پایگاه اطلاع رسانی "نوروز" نوشت: "بر اساس اخبار رسیده از منابع موثق خبر احتمال بازداشت میرحسین موسوی از سوی عوامل کودتایی را به شدت تأیید کرد". فیس بوک مهدی کروی با انتشار پیامی نوشت: "در صورت دستگیری هر کدام از سران اصلاحات، وعده ما: انقلاب تا آزادی". روشن است که دستگاه ولایت بر آن است که با بهانه قرار دادن آتش زدن عکس خمینی، موج جدیدی علیه جنبش مردمی به راه بیاندازد. اما در شرایطی که یکی از خواست های اصلی جنبش مردمی جدایی دین از دولت است و این به معنای عبور از میراث خمینی نیز هست، میراثی که با تثبیت اصل ولایت فقیه، و ادغام دین و دولت، حق تعیین سرنوشت مردم را لگدمال کرد و به خون کشید، علم کردن این موضوع هم با هدف تجزیه در صفوف مخالفین صورت می گیرد و هم با هدف زمینه سازی برای بکارگیری شدت عمل بیشتر. بعید نیست آن ها که در بنبوحه ی انقلاب ۵۷، سینما رکس آبادان را به آتش کشیدند و مردم را در آن زنده زنده سوزاندند و آن را به گردن دیگران انداختند و بعداً برایش توجیه شرعی تراشیدند، با به آتش کشیدن عکس خمینی و پخش آن از سیمای جمهوری اسلامی، و به میدان کشاندن همه دستگاه های تبلیغاتی و شخصیت های حکومتی تا شخص ولی فقیه، و موج سازی گسترده، تلاش کنند فضای از دست رفته ی جامعه را دو باره به دست گیرند و عده ای از دستگیر شده گان را نیز به اعتراف وادارند.

پیدایش چنین فضایی و افشای سناریوی سیاه طراحی شده، یک نکته را به خوبی آشکار می سازد. دستگاه ولایت برای مهار اوضاع از کنترل خارج شده، به تمرکز در بالا و پر کردن شکاف ایجاد شده در هرم قدرت نیاز دارد. وقتی هاشمی رفسنجانی در کنار دستگاه ولایت نباشد و با آن مرزبندی کند و تلویحاً از سران اصلاح طلب حمایت کند، و زمانی که بخشی از حاکمیت اسلامی که جناح اصلاح طلب آن را تشکیل می دادند در برابر دستگاه ولایت ایستاده اند و قدر قدرتی آن را به چالش گرفته و از اعتراضات مردمی حمایت می کنند، و در شرایطی که بخش بزرگی از روحانیت طراز اول، اقدامات حکومت را تأیید نمی کنند، نمی توان اراده متمرکز سرکوب ایجاد کرد. برای ایجاد چنین اراده ای باید یک جراحی بزرگ در هرم قدرت جمهوری اسلامی صورت گیرد. جراحی ای که بعید است بیمار از آن جان سالم بدر برد. زیرا بر خلاف آن چه تمامیت گرایان فکر می کنند، این جنبش، جنبشی نیست که به دستور سران اصلاح طلب به راه افتاده باشد که با حذف آن ها از عرصه سیاسی، فروکش کند. و بدون ایجاد اراده متمرکز در بالا نمی توان توده های به پا خاسته را به راحتی به خانه هایشان بازگرداند. این را دستگاه ولایت و دولت دست نشانده اش در سرکوب ۲۵ خرداد، ۳۰ خرداد، ۱۸ تیر و روز قدس و ۱۳ آبان و ۱۶ آذر تجربه کرده است. اوین، کهریزک، تجاوز جنسی، شکنجه، اعتراف گیری های اجباری، دستگیری گسترده فعالین دانشجویی، چوبه های دار، هدف گرفت قلب جوانان در خیابان ها، صدور

احکام سنگین زندان برای دستگیر شده گان، بستن مطبوعات و دستگیری و یا آواره کردن روزنامه نگاران و ... هیچکدام اراده پولادین مردم را کاهش نداده است. همین امر بر ترس آن ها به شدت افزوده است. نزدیک شدن ماه محرم و روزهای تاسوعا و عاشورا، به عنوان روزهای پوششی اعتراض مردمی هم ترس به جانمان انداخته است. از همین روست که تلاش می کنند تا قبل از فراهم آمدن آن شرایط، دست به اقدام بزنند.

اما سران سرکوب در اتاق های فکشان، بیهوده به طراحی سناریوهای سیاه روی آورده اند. دولت شاه نیز وقتی که جنبش روز به روز قدرتمندتر می شد، حکومت نظامی از هاری را روی کار آورد. آن ارتشید بیچاره، تظاهرات مردم را نوار خوانده بود. اما چند ساعت از این حکومت نظامی نگذشته بود که مردم با شعارهای شبانه "مرگ بر شاه" گوش فلک را کردند و فریاد می زدند:

"از هاری بیچاره، باز هم بگو نواره". و به این ترتیب حکومت نظامی را به تمسخر گرفتند و راه خود را رفتند. و حال همان راه را سرکوبگران ولایتی در پیش گرفته اند. طرح سناریوی سیاه، علامت آغاز دوره ای از بگیر و ببندهای گسترده و بی ملاحظه و بکارگیری خشونت لجام گسیخته خواهد بود.

این امر از چشم مردم دور نمانده است. روشن است که چنین اقدامی با سکوت مردم روبرو خواهد شد. جنبشی که با قدرت به پیش می رود و خیمه اصلی نظام اسلامی را هدف گرفته است، نظاره گر اقدامات کودتایی خواهد ماند. این جنبش هنوز تمامی ظرفیت های خود را به کار نگرفته است. وقتی که تیغ سرکوب بی ملاحظه، به سوی جنبش هدف گیری شود، نه تنها خیابان ها، بلکه تمامی چرخ های زندگی و اقتصاد کشور که در دست های مردم است، به ابزار مقاومت توده ای تبدیل خواهد شد. سرکوبگران هنوز نمی خواهند دریابند که اگر مردم شبکه های ارتباطی را فلج کنند، چرخ های تولید را متوقف سازند؛ سیستم ارتباطی و شبکه ی سراسری حمل و نقل را از کار بیاندازند؛ و تمامی ادارات را به اعتصاب بکشاند، آن وقت هیچ قدرتی توان مقابله با آن ها را نخواهد داشت. سرکوبگران دستگاه ولایت هنوز با تمامی قدرت مردم روبرو نشده اند. آن ها باید بدانند، وقتی باد می کارند، طوفان درو خواهند کرد.

۲۳ آذر ۱۳۸۸ - ۴ دسامبر ۲۰۰۹

* پیوندها *

سر دبیر نشریه: منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳۰۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص

میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.



اکثر شرکت کنندگان در راهپیمایی اروپایی ها بودند. بسیاری از آنها خانواده های دانمارکی بودند که با فرزندانشان در این آکسیون شرکت می کردند. بخشی بزرگ دیگری از آلمان، فرانسه و سایر کشورهای اروپایی آمده بودند. در عین حال آسیایی ها و آفریقایی هائی نیز در میان تظاهرکنندگان به چشم می خوردند. سندیکاهای کارگری نیز نمایندگان خود را برای شرکت در کنار دیگر فعالان جنبش ها ارسال کرده بودند.



تنها یک هفته به پایان کنفرانس سازمان ملل برای محیط زیست باقی مانده است. هفته اول شاهد بروز شکاف میان کشورهای حاشیه و کشورهای پیشرفته درباره توافق نهانی کنفرانس کپنهاک شد. تظاهرکنندگان خواهان توافقی هستند که در آن برخورد جدی، مسنولانه و متوازن با بحران زیست محیطی صورت گرفته و بویژه کشورهای پیشرفته سرمایه داری پاسخگوی بحرانی باشند که آفریدگار آن هستند. در حالی که سالانه تنها ۳۰۰ هزار نفر جان خود را بخاطر تغییرات جوی و زیست محیطی از دست می دهند و سیاره ما با سرعت به سوی یک فاجعه همه جانبه زیست محیطی روان است، آیا سران کشورها بویژه سران کشورهای پیشرفته سرمایه داری، که مسنول اصلی بحران زیست محیطی هستند، گوشه برای شنیدن فریاد مردم جهان خواهند داشت؟



سایت راه کارگر

<http://www.rahekargar.net>

راهپیمایی صدهزار نفری در کپنهاک!

"عدالت زیست محیطی"، "عشق بجای گاز کربنیک"، "نظام را باید دگرگون کرد نه محیط زیست را"



بر اساس گزارش سازمان دهندگان، امروز صدهزار نفر در کپنهاک پایتخت دانمارک در اعتراض به سیاست دولت ها در برخورد به بحران زیست محیطی و تغییرات جوی، دست به راهپیمایی زدند (پلیس ای رقم را ۳۰ هزار نفر تخمین زده است). از روز ۷ دسامبر به مدت دو هفته کنفرانس سازمان ملل در ارتباط با محیط زیست در کپنهاک برگزار می شود. راهپیمایی به سوی "پلا سنتر" محل برگزاری کنفرانس سازمان ملل صورت گرفت که هفت کیلومتر دورتر، در سمت جنوب، از محل حرکت صف اصلی تظاهرات بود. پلیس دانمارک به حالت بسیج کامل در آمده و هلی کوپترهای پلیس بر فراز شهر اوضاع را تحت کنترل داشتند. سازمان دهندگان تظاهرات خواسته بودند که در جریان تظاهرات آرامش کامل حفظ شده و بهانه ای برای سرکوب به نیروهای پلیس داده نشود.



بر اساس گزارش پلیس دانمارک نیم ساعت پس از حرکت تظاهرکنندگان چند صد نفر به مرکز شهر حمله برده و شروع به شکستن شیشه ها مغازه ها و نیز شیشه های وزارت خارجه دانمارک کردند. این ها کسانی بودند که لباس های سیاه پوشیده و صورت خود را پوشانده بودند. پس از دخالت پلیس آنها به گروه های کوچک پنج شش نفره تقسیم شده و تلاش کردند از محل گریخته و وارد صفوف اصلی تظاهرات شوند. پلیس دانمارک حدود ۴۰۰ نفر از آنها را دستگیر کرده و مدعی است که این افراد به جریان آنارشستی "بلوک سیاه" تعلق دارند.



صف اصلی تظاهرکنندگان با آرامش کامل به راهپیمایی خود تا ۵۰۰ متری محل برگزاری کنفرانس ادامه داد. همانطور که ما قبلاً گفته بودیم برخلاف سیاتل، سازمان گران و تظاهرکنندگان قصد بهم زدن کنفرانس سران را ندا رند بلکه می خواهد که دولت ها مسنولیت خود در ارتباط با حفاظت از محیط زیست را به عهده بگیرند. تظاهرکنندگان شعارهائی نظیر "عدالت زیست محیطی"، "عشق بجای تولید گاز کربنیک"، "نظام را باید دگرگون کرد نه محیط زیست را" با خود حمل می کردند.

نامه علی نجاتی

(نامه اول)

رئیس هیئت مدیره سندیکای

هفت تپه خطاب به کارگران

کارگران!

تا به امروز چهار نفر از اعضای هیات مدیره ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر روانه ی زندان شده اند و هم اکنون در زندان دزفول محبوس میباشند.

دستگاه قضایی در چند روز آینده، دوره ی حبس مرا نیز به من تحمیل خواهد کرد. ما برای به دست آوردن حقوق خود و دفاع از مطالبات بر حق کارگران هفت تپه و به دست آوردن کمترین امکانات معیشت و حقوق انسانی تلاش کرده ایم. اما ما محکوم و زندانی می شویم.

ما در چند روز پیش نیز نامه ای سرگشاده به سازمان جهانی کار نوشتیم و رونوشت آن را به تمام نهاد های کارگری و حقوق بشری و رسانه ها، ارسال کردیم.

ما میدانیم که آنها از بی حقوقی که بر کارگران ایران تحمیل میشود با خبر هستند. میدانیم که قرار نیست کسی جز خود کارگران به داد خودشان برسد. اما ما اتمام حجت کردیم و از آنان پرسیدیم که آیا بیخبرید؟ آیا اقدامی خواهید کرد؟ میدانیم که نتیجه، اقدام موثری از سوی آنان نخواهد بود.

ما میدانیم که ایجاد تشکل های مستقل کارگری حق مسلم کارگران است. در حالی که کارفرماها آزادانه تشکل دارند، کارگرانی که تشکل های مستقل کارگری خود را بنا میکنند محکوم و زندانی میشوند. ما اعتقاد داریم به جز تلاش های خود کارگران و اتحاد و همبستگی میان آنان، ما کارگران موفق نخواهیم شد به خواسته ها و مطالبات خود دست یابیم.

من و دیگر همکارانم در سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، برای مدت شش ماه در زندان محبوس خواهیم بود. در مدت هشت ماه ای که من را از کار اخراج کرده بودند کم نبودند کارگرانی که علاوه بر حمایت های روحی خود، در حد توانشان کمک های مادی کردند. این کمک ها اگر چه بسیار کمتر از حقوق دریافتی سابق من بود اما برای من از هزاران هزار کمک دیگر با ارزش تر بود زیرا نشان از آن داشت که کارگران به درستی میدانند که من و دیگر همکارانم برای دفاع از حقوق آنان تلاش میکنیم. ما همین خاطر من بنا بر اعتقاد تنها کمکی که دریافت کردم کمک از کارگران بود. مبلغ آن اگرچه کمتر از حدی بود که حتی سطح زندگی سابق مرا حفظ کند اما، بسیار با ارزش بود.

این کمک ها به جای هر نهاد و مکان و کسان دیگری مرا مدیون به همکاران کارگر من میکرد. امیدواریم که این امر به شکل یک سنت کارگری در میان دیگر کارگران رواج پیدا کند.

تا روزی که فقط من اخراج شده بودم، به همان کمک های دوستان کارگر آشنا با خود بسنده کردم. اما امروز علاوه بر من چهار کارگر دیگر نیز از دریافت حقوق خود محروم میشوند. دوستان زیادی پرسیده اند که کارگرانی که امکان تماس چهره به چهره با خانواده های این پنج کارگر زندانی را ندارند چگونه میتوانند برای همبستگی کارگری، کمک های مالی خود را برای رساندن به خانواده هایشان به آنان برسانند.

در ساعت ۴۵:۱۱ امروز پیش از آنکه دو نفر دیگر از دوستانم به دادگاه و زندان فرستاده شوند، با آخرین تماس و توافقی که با آنان و دیگر همکارانم انجام شد، قراربر این شد که شماره حسابی به نام اینجانب اعلام شود تا کمک های مالی ارسالی از سوی کارگران به آن واریز شود و از آن طریق، مبلغ کمک شده به خانواده های این پنج کارگر پرداخت شود. (که این شماره حساب متعاقباً اعلام میشود) ما میخواهیم به جای هر کمک مالی از هر طریق، فقط و فقط از حمایت های کارگری برخوردار شویم.

کارگران! امروز، روز حمایت از کارگرانی است که در هفت تپه برای احقاق مطالبات کارگری، تلاش کردند و از سوی کارگران هفت تپه به نمایندگی در یک تشکل مستقل انتخاب شدند و امروز تنها به خاطر دفاع از حقوق کارگری خود به زندان محکوم شده اند. بدون شک، فردا و فرداهای بعد که ما در زندان نباشیم، ما نیز در انجام این وظیفه ی کارگری سهیم خواهیم بود.

پیشاپیش از حمایت ها و تلاش های کارگران هفت تپه و دیگر کارگران تشکر میکنم و امیدوارم با اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر در راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری خود تلاش کنیم تا بتوانیم به حقوق و خواسته های برحق خود دست پیدا کنیم.

به امید اتحاد روزافزون کارگران

علی نجاتی - رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

شنبه ۱۶ آبان ماه ۸۸

نامه ی تازه ی علی نجاتی:

(نامه دوم)

حمایت از کارگران زندانی حمایت از

همه ی کارگران است!

• رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران را به حمایت از اعضای دربند این سندیکا فرا خوانده است ... کارگران!

همه می دانند که کارگران هفت تپه در چند سال اخیر برای به دست آوردن مطالبات خود بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. از جمله ای این خواسته ها، دریافت حقوق معوقه و پرداخت به اندازه ی اضافه کاری و حق ایجاد تشکل مستقل کارگری بوده است.

ما میدانیم برای به دست آوردن مطالبات و خواسته های خود چاره ای جز اتحاد و دست یابی به تشکل مستقل از کارفرما و دولت نداشته و نداریم.

ما بنا به تجربه ی کسب شده توسط خودمان و تجربیات هم طبقه ای هائیمان در ایران و دیگر نقاط دنیا دریافته ایم که چنانچه امکانی برای دفاع از حقوق کارگران باشد باید از آن تا جایی که به ضد خودش تبدیل نشود استفاده کرد اما بسیاری از نهادها و سازمان های جهانی که به نام کارگران و در ظاهر برای دفاع از حقوق ما بنا شده اند بیشتر به سرابی شبیه هستند که کارگران را دلخوش کنند و به زبان ساده تر کارگران را گول بزنند تا به جای تکیه به نیروی خودشان و هم طبقه ای هایشان امیدهای بیهوده و توهم به آنان داشته باشند.

از طرفی در داخل کشور سال هاست که کارگران مجبور شده اند تا فقط و فقط تشکلی به نام شورای اسلامی کارداشته باشند.

وقتی نمایندگان کارگران، اساسنامه و عملکرد این تشکل باید مورد تایید دولت و حتا کارفرما باشد دیگر چگونه میتوان امید داشت که این تشکل از حقوق کارگران دفاع کند؟ زیرا کارفرما ها و سیستم پشتیبان آنها، نمیخواهند که حق و حقوق کارگران به آنان برسد.

کارگران هیچ چاره ای ندارند جز اینکه به نیروی خود و دیگر کارگران تکیه کنند و تشکل های مستقل کارگری خود را بنا کنند.

هر وقت کارگر یا کارگرانی در هر کجا دچار مشکل میشوند به جز کمک گرفتن از حمایت و نیروی کارگری نمیتوان مشکلات را برطرف کرد.

در نامه ی پیش گفته بودم که اکنون نمایندگان کارگران هفت تپه، فقط و فقط به خاطر ایجاد تشکل مستقل کارگری و دفاع از مطالبات بر حق کارگران هفت تپه، زندانی هستند و طبیعتاً خانواده های آنان در این مدت شش ماهه نیاز به حمایت از طرف کارگران دیگر دارند.

من روی حمایت مادی- معنوی توسط کارگران و نه جاهای دیگر تاکید میکنم. زیرا اعتقاد دارم این کارگران هستند که باید به داد هم طبقه ای هایشان برسند. به قول معروف این شتری است که در خانه ی همه ی ما میخوابد. و ما کارگران به جز یکدیگر کسی را نداریم.

کارگرانی که خواهان حمایت از این پنج نفر و خانواده هایشان هستند میتوانند به هر اندازه که در توانشان است، از طریق شماره حساب بانکی اینجانب (به شماره ۰۳۰۲۸۹۵۱۸۰۰۰۸ سیبیا- بانک ملی ایران شعبه هفت تپه کد ۶۵۷۹ به نام علی نجاتی)، کمک های مادی خود را واریز کنند.

به نظر من، بعد از سال ها اکنون تجربیات کارگری به آن اندازه ای هست که بتوان به عنوان یک سنت کارگری این موضوع را جا انداخت که هر گاه کارگرانی در جایی به مشکل برمیخورند این کارگران هستند که لازم است از یکدیگر حمایت کنند.

ما در هفت تپه، بنا به مسولیتی که کارگران در انتخابات و مجمع عمومی در آبانماه ۸۷ بر دوشمان گذاشتند به عنوان نمایندگان آنان تلاش کردیم که از حقوق و مطالبات آنان دفاع کنیم.

اقدام مشترک نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور در پاسخ به فراخوان علی نجاتی دفاع از کارگران هفت تپه، دفاع از شأن انسان است



هفته همبستگی: ۷ تا ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹

رژیم جمهوری اسلامی که از جنبش توده‌ای مردم ایران سبلی جانانه‌ای خورد، هنوز از این ضربه به‌خود نیامده، با اعتصابات مداوم و گسترش یابنده کارگران مواجه شد و مثل همیشه از هراس سرنگونی بساط ننگینش، به تنها و آخرین حربه یعنی: بگیر و ببند، ضرب و شتم و شکنجه و اعدام متوسل شد:

در ۱۳ آبان صدها نفر از نیروهای مبارز به هزاران نفر زندانی دیگر جنبش اخیر افزوده شدند، بسیاری از آنها به زیر شکنجه رفتند و از سرنوشت تعداد زیاد دیگری اطلاعی در دست نیست.

زندانی مبارز خلق کرد احسان فتحاحیان را ددمنشانه اعدام کردند و بلافاصله برای اعدام شیرکو معارفی و حبیب‌الله لطیفی، مبارزان دیگری از خطه کردستان دندان تیز کرده‌اند.

۱۲ نفر از اعضای کانون صنفی معلمان را به خاطر تشکیل جلسه به-مناسبت روز جهانی معلم دستگیر و زندانی کردند و همچنین محمد رضا رضایی گرگانی، عضو هیئت مدیره این کانون صنفی را بازداشت نمودند.

در اقدامی دیگر، هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه فریدون نیکو فرد، جلیل احمدی، قربان علی‌پور، محمد حیدری مهر و سپس علی نجاتی را در یک دادگاه فرمایشی "محاکمه" و آنان را به "جرم" عدالت-خواهی و دفاع از حقوق همکارانشان به "احکام" ناعادالته‌ای محکوم کرده و عجلانه ایشان را دستگیر و به زندان دزفول منتقل نمودند.

و نیز با گسترش مبارزات کارگری در واحدهایی نظیر: پالایشگاه نفت آبادان، کارخانه ایران خودرو، کارگران تی‌پُر نیشکر هفت تپه، شرکت صنایع اراک، پالایشگاه بندرعباس، شهرداری و اتوبوسرانی خرمشهر، چینی البرز، کارخانه آذرقاف، اتوبوسرانی زنجان، رانندگان بین شهری کرمان، شرکت اسید سیتریک کرمانشاه، کارخانه قند شیروان، صنایع مخابراتی راه دور ایران، کارخانه کف کار رشت، شرکت جهاد نصر، ایران صدرای بوشهر، پارسیلون خرم‌آباد، شرکت صبا ایران، مرغ البرز، آلومینیوم اراک، لوله سازی لوشان، قطعات پتئی گیلان، بازنشستگان ذوب آهن، کارگران خباز سندانج، شرکت فرادانش، چینی اشکان، نوشابه ارم نوش، شرکت ارژنگستر ارومیه، لوله سازی اهور، ماشین سازی گواه و ... رژیم در هر جا که توانست وحشت زده و وحشیانه به سرکوب و ضرب و شتم کارگران پرداخت و حتا به اعتراض همسران کارگران بی-شرمانه حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. فعالان شرکت کننده در مراسم اول ماه مه در پارک لاله را محاکمه و به زندان انداختند، همچنین محمد اشرفی از کمیته پیگیری را به یک سال زندان محکوم کرده و مهدی آمیزش را جریمه نقدی نمودند و پدram نصراللهی عضو کمیته هماهنگی را بازداشت نموده و برهان سعیدی را مجدداً احضار کردند. جنبش مترقی به‌پا خاسته جامعه ما با تداوم و گسترش مبارزات و شعارهای انقلابی و مقاومت دلیرانه‌شان حرف آخر را زده‌اند: جمهوری اسلامی نابود باید گردد!

طبقه کارگر ایران که بیشترین ستم‌ها، فشارها و سرکوب‌ها را متحمل شده، علاوه بر تمامی تهدیدات و موانع، با گسترش و تداوم اعتصابات و اعتراضات‌اش و ایجاد تشکلات توده‌ای طبقاتی‌اش و پیوستن به مبارزه جاری توده‌ها، با کوبیدن مهر خود بر این جنبش عظیم، این رژیم ننگین حامی سرمایه را به همان زباله‌دانی که شاه را فرستاد، خواهد انداخت. نهادهای همبستگی با کارگران ایران در خارج کشور، ضمن محکومیت زندانی و شکنجه فعالین کارگری و فعالین دیگر جنبش‌ها، برای آزادی هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و تمامی کارگران و زندانیان سیاسی، پرداخت حقوق معوقه و بازگشت به کار کارگران اخراجی و به

ما متهم به تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی شدیم. همه میدانند که ما به‌جز خواسته‌های کارگری، مطالبات دیگری نداشته ایم. ما را به زندان محکوم کردند. هم اکنون چهار نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در زندان دزفول محبوس هستند و من که نفر پنجم باشم از روزهای آینده در جمع آنان خواهم بود و ایام حبس من آغاز خواهد شد.

من میدانم که ما در طول این مدت فعالیت در کارمان نقاط قوت و ضعف بسیار داشته ایم. من شخصا همیشه از دریافت تجربیات کارگری دیگر و نیز انتقادات سازنده، استقبال کرده‌ام. هنوز هم امید دارم که کارگران دلسوز با نظرات خود کمکی برای تقویت فعالیت‌های کارگری ما باشند. البته بسیاری اوقات هم به جای نقد، یعنی بررسی نقاط قوت و نقاط ضعف و از همه مهم‌تر پیشنهاد راه‌های عملی و شدنی برای پیشبرد مبارزاتمان، نظراتی شنیده‌ام که آنچنان در فضای غیرواقعی و بهتر بگویم تخیلی طرح شده‌اند که هیچ‌گونه امکان پیاده کردن این نظرات در دنیای واقعی و به دست کارگران وجود نداشته است. اگرچه از طرفی نظرات و تجربیات دوستان بسیاری برای ما بسیار سازنده بوده است.

امیدوارم در این مدت شش ماهه، علاوه بر کمک‌های مادی، و از آن مهم‌تر برای حمایت‌های معنوی از نمایندگان کارگران هفت تپه، تمام کارگران و فعالان دلسوز با دوری کردن از هرگونه مباحث حاشیه‌ای، با اتحاد هر چه بیشتر با تمام نیروی خود برای دفاع از حقوق کارگران هفت تپه و نمایندگان محبوس آنان تلاش کنند. نباید گذاشت که این دوره‌ی حبس، بدون اعتراضات کارگران در هر کجا به زندانی شدن این چند نفر و دیگر کارگران زندانی از جمله آقایان اسالو و مددی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، بگذرد. ما در زندان، اخبار اقدامات شما را خواهیم شنید و از آن دلگرمی خواهیم گرفت.

با تلاش برای اتحاد هرچه بیشتر کارگران علی نجاتی - رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۸۸ شوش - خوزستان - ایران

اطلاعیه شماره ۳

دومین گزارش خبری مالی - گوتنبرگ

اقدام مشترک انسانی درگوتنبرگ (سوئد)

دفاع از کارگران هفت تپه، دفاع از شأن انسانیدستان همه شما را که تا به حال به پای صندوق‌های کمک‌رسانی مالی ما آمدید، یا پول حواله کردید، به گرمی میفشاریم!

کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوئد) به همراه نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور، با کارزار مالی ماه دسامبر ۲۰۰۹ پیوست

ما در این اقدام بزرگ تنها نیستیم!

در اطلاعیه شماره یک به اطلاع شما رساندیم، در راستای پاسخگویی به فراخوان علی نجاتی چهره شناخته شده سندیکای مستقل نیشکر هفت تپه شوش و همراهی با کارگران داخل کشور به پای یک اقدام مشترک انسانی رفتیم و مبالغ جمع‌آوری شده را به تفکیک گزارش کردیم. در گزارش خبری شماره شما را از پیشرفت کار خود مطلع می‌سازیم

اقدام مشترک انسانی انجمن‌ها و نهاد‌های فرهنگی شهر، رادیو‌ها و انسان‌های پرشمار جانبدار کارگران و زحمتکشان و مخالفان زندان، شکنجه، اعدام و هرگونه سرکوب در ایران. دومین گزارش ما به شماست.

مبالغ جمع‌آوری شده

موجودی صندوق ۱۶۰۰۲+ کرون سوئد

۲۰۰ دلار آمریکا

۴ یورو اروپا

توجه: مبالغ فوق در مرکز اندیشه با حضور خانم مریم افشاری و آقایان: فرخ قهرمانی و امیرجوهری شمارش و صورتجلسه گردید. شماره حساب کانون: بانک جی‌وی ۹۱۰۴-۴۷۷ سوئد بانک با احترام: هیئت مسؤلین کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوئد)

۱۶ آذر و درس هایی که باید آموخت

ارژنگ پامشاد

۱۶ آذر ۸۸، در مقابل چشمان تیزبین مردم ایران و جهان، چهره ی دیگری از جنبش مردمی و دانشجویی کشور را نشان داد. دانشجویان سراسر کشور، در اعتراضی گسترده و فراگیر، شجاعانه در مقابل تهدیدات و تمهیدات سرکوبگران ایستادند و تمامی نقشه ها و برنامه های رژیم شاه را به هم ریختند. دانشجویان به عنوان وجدان بیدار و نیروی آگاه جامعه نشان دادند که وقتی ترس از روانشناسی عمومی مردم رخت بر می بندد، ابزارهای سرکوب مستبدین و دیکتاتورهای کوتاه بین، چنان بی اثر می شود که حیرت همگان را بر می انگیزد. روحیه و روانشناسی جدیدی که سراسر کشور و در نتیجه ی آن جامعه دانشجویی را فرا گرفته است، دیگر محدود به تهران و شهرستان های بزرگ نیست، بلکه به شهرهای کوچک نیز رسیده است. همین روحیه است که به تظاهرات و اعتراضات دانشجویی در ۱۶ آذر ۸۸ هم خصلت فراگیر داد و هم خصلت سراسری. فراگیر از آن رو که تقریباً بخش اعظم دانشجویان دانشکده های گوناگون و دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، چه دولتی و چه آزاد و غیر انتفاعی را در بر گرفته بود. این بار تنها بخش کوچکی از دانشجویان دانشگاه های دولتی نبودند که فریاد اعتراضاتشان طنین انداز بود، بلکه بخش اعظم دانشجویان به جنبش اعتراضی پیوسته بودند. از سوی دیگر پیوستن دانشجویان دانشگاه های آزاد به روز دانشجو رنگ و بوی جدیدی داد. سراسری بودن اعتراضات نیز از ویژگی های دیگر آن بود. اخبار حرکت ها و اعتراضات دانشجویی محدود به چند دانشگاه در تهران نبود. اعتراضات دانشجویی در دانشگاه های مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، نجف آباد، یزد، یاسوج، کرمانشاه، کرمان، رشت، همدان و بسیاری دیگر از شهرها جریان داشت.

رخت بر بستن روانشناسی ترس، آن عاملی است که سبب می گردد تظاهرات ۱۶ آذر که از پوشش مراسم رژیمی برخوردار نبود، با گسترده گی و شکوه تمام برگزار شود. برگزاری تظاهرات روز دانشجو بدون پوشش "قانونی" و بصورت مستقل، فاز جدیدی از جنبش مردمی را نشان می دهد. این درست است که سازماندهی تظاهرات مستقل توده ای و بدون استفاده از پوشش رسمی، در شرایط کنونی هزینه هایی دارد که می توان از آن اجتناب کرد، با این حال دانشجویان به عنوان بخش آگاه و پیشتاز، و با آگاهی از هزینه های این اقدام، سدی را شکستند که ترس بر جان سرکوبگران انداخته است. اقدام شجاعانه دانشجویان، در شرایطی که هنوز گردان های رزمی جنبش کارگری و توده ای با تمام قدرت وارد عرصه ی مبارزه نشده اند، نقش راهنما و پیشروانی دارد. واقعیت این است که در روند جنبش رو به گسترش مردمی، اکنون دانشگاه ها به کانون پرطیش مبارزات ضداستبدادی تبدیل شده اند. همین امر باعث شده تا تمرکز سرکوب بر دانشگاه به شکل چشم گیری افزایش یابد. حتی در روزهای پس از ۱۶ آذر شاهد دستگیری های گسترده، محاصره ی دانشگاه ها، اعزام نیروهای مزدور تحت نام بسیج دانشجویی به دانشگاه ها هستیم. سرکوبگران تلاش دارند نقش مؤثر دانشجویان در ادامه کاری جنبش توده ای را از میان بردارند. اما حمایت گسترده مردم از تظاهرات ۱۶ آذر و حضورشان در کنار درهای دانشگاه های گوناگون، نشان داد که پیوند جنبش دانشجویی با جنبش مردمی، مستحکم تر از آن شده است که با چنین تلاش های مذبوحانه ای بتوان دانشجویان را از مردم جدا کرده و در انزوا به سرکوب آن ها پرداخت. حضور مردم در حمایت از دانشجویان آن چنان برجسته بود که امسال از شعار "مردم به ما ملحق شوید" خبری نبود و ضرورتی نیز نداشت. این همبستگی را در همسانی شعارهای دانشجویان در دانشگاه های سراسر کشور با شعارهای جنبش مردمی نیز می توان مشاهده کرد. دانشجویان در تظاهرات روز دانشجو و در تداوم آن، بیش از آن که به مسائل اخص دانشگاهی بپردازند، به موضوع اصلی کنونی یعنی تداوم جنبش توده ای و شعار محوری آن "مرگ بر دیکتاتور" پرداخته اند.

اعتراضات فراگیر و سراسری دانشجویان در ۱۶ آذر، در شرایطی سازماندهی شد که در فاصله اعتراضات توده ای در ۱۳ آبان تا ۱۶ آذر، حداقل ۹۰ نفر از فعالین دانشجویی دستگیر شده و به زندان فرستاده شده بودند؛ تمامی تشکل های موجود و رهبران نشان حضور و مورد تهدید قرار گرفته بودند؛ مانع ورود بسیاری از فعالین دانشجویی، به دانشگاه ها و خوابگاه ها شده بودند؛ و سخنگویان استبداد دینی و فرماندهان سرکوب و سپاهیان کودتاچی، به مناسبت های گوناگون،

رسمیت شناختن سندیکای کارگران هفت تپه، یک هفته کارزار دفاعی اعلام کرده که درهرشهری نهادهای مربوطه برنامه های ویژه خود را به اطلاع خواهند رساند.

فعالین کارگری، نیروهای مترقی چپ، سوسیالیست و دموکرات، زنان، دانشجویان، روشنفکران و جوانان مبارز!

خانواده های کارگران زندانی، به ویژه کارگران هفت تپه شدیداً به کمک مالی ما نیازمندند، به این کارزار پیوسته و با کمک های مادی و معنوی خود به یاری این عزیزان برخیزیم.

برای هر نوع کمک و اطلاعات بیشتر با آدرس های زیر تماس بگیرید.

هفته همبستگی: ۷ تا ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹

- کمیته همبستگی با کارگران ایران - استرالیا

unionn1@gmail.com

- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا

proletarianunite@gmail.com

- کمیته دفاع از کارگران ایران - نروژ cdkargari@gmail.com

- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

ssiran@yahoo.fr

- کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه

kanoonhf_2007@yahoo.de

- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر

kanon.hannover@yahoo.de

- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد isask@comhem.se

- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ

kanounhambastegi@gmail.com

- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ankjch@yahoo.co.uk

- شبکه همبستگی کارگری iranwsn@fastmail.fm

- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن leftalliance@yahoo.com

- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا

toronto_committee@yahoo.ca

به کمپینها و کارزارهای همبستگی برای آزادی کارگران زندانی ۷ تپه!

برگشت به کار کارگران اخراجی ۷ تپه!

بپیوندید!

آزادی تشکل حق مسلم کارگران است!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور همه را فرا میخواند که در کمپینهای همبستگی با کارگران ۷ تپه فعالانه شرکت کنند و

برای آزادی فوری رهبران زندانی سندیکای ۷ تپه و خواهان آزادی

برگشت به کار فعالین اخراجی ۷ تپه شویم!

هفته ویژه همبستگی با سندیکای کارگران ۷ تپه!

۷ دسامبر - ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج کشور

حمایت کارگران میدان بارسندج

از فراخوان مالی کارگران نیشکر هفت تپه!

ما ۱۶ نفر از کارگران میدان بارسندج که با جابجانی و تخلیه بار در میدان بار، گذران زندگی می کنیم، از کارگران نیشکر هفت تپه با مبالغ ناچیز مان حمایت خواهیم کرد.

همانطور که میدانید ما با دستمز دی ناچیز که بر اساس تخلیه بار حتی کفاف زندگی بخور و نمیر ما را نمی دهد زندگی خود و زن و بچه هایمان را تامین می کنیم. ما در شرایطی کار می کنیم که نه مشمول بیمه هستیم و نه اینکه بصورت رسمی کسی متعهد در قبال کار ما می باشد. ما تعدادی از کارگران میدان بارسندج با دریافت شماره حساب اعلام شده کارگران نیشکر هفت تپه فعلاً ۱۶۰۰۰۰ ریال به حساب آنها واریز کرده و تصمیم گرفته ایم که هر ماه و در صورت امکان با افزایش این مبلغ از این کارگران زندانی حمایت کنیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۸۸/۹/۳

www.komitteyehamahangi.com

www.komitteyehamahangi.blogfa.com

komite.hamahangi@gmail.com

دانشجویان را از سازماندهی اعتراضات بر حذر داشته بودند. امید آن ها این بود که شبکه های سازمانیابی حرکت های دانشجویی را فلج کرده و امکان برگزاری مراسم ۱۶ آذر را از میان بردارند. اما زمانی که فعالیت های دانشجویی دیگر اختصاص به بخش کوچکی از فعالین ندارد و هر دانشجو خود بعنوان سازمانگر عمل می کند، دستگیری چند فعال دانشجویی نمی تواند فعالیت سازمانیافته دانشجویان را در هم بشکند. اکنون در شرایطی قرار داریم که هر فعال دانشجویی با شبکه های ارتباطی اش با محیط درس و زندگی، می تواند به موتور حرکت تبدیل شود. این نکته ای است که استراتژیهای استبداد در ستاد های سرکوب، از آن غافل هستند. سازماندهی فراگیر و سراسری اعتراضات دانشجویی ۱۶ آذر ۸۸ اهمیت و نقش این فعالین که از دل جنبش می جوشند و به موتورهای حرکت های دانشجویی و توده ای تبدیل می شوند، را بیش از پیش برجسته کرد. از این رو تلاش برای ادامه کاری جنبش، تا حد زیادی به حفظ فعالین سازمانگر بستگی دارد. همین نکته است که ضرورت رعایت تلفیق کار علنی و مخفی را بیش از پیش برجسته می کند. و هم زمان این نکته را به میان می آورد که بدون سازماندهی هسته های مخفی سازماندهی که در درون شبکه های اجتماعی حفاظت می شوند و دور از چشم دشمن عمل می کنند، نمی توان ادامه کاری جنبش دانشجویی را تضمین کرد.

سازمانیافتگی و ایجاد تشکل های متناسب با شرایط کنونی مبارزه، اصلی است که باید روی آن تاکید کرد. بدون داشتن ارتباطات محکم و استوار و دور از نگاه دشمن، نمی توان تداوم مبارزه را تضمین کرد. گاه عده ای علیه تشکل و سازمان یابی قلم فرسایی می کنند. اما آن ها، نیروهای رادیکال و مبارز و فعالین جنبش انقلابی را از مهمترین سلاح رزمی خود محروم می سازند و در برابر نیروهای سازمانیافته دیگر خلع سلاح می کنند. باید بر این واقعیت نیز تاکید کنیم که در شرایط حاکمیت دیکتاتوری و بویژه استبداد دینی، تنها نیروهایی توانسته اند متشکل شوند که از حاشیه های امن سیاسی برخوردار بوده اند و نیروهای رادیکال و مدافعین آرمان های توده های محروم، گاه حتی به جرم متشکل شدن از جانشان مایه گذاشته اند. و اکنون که شرایط به سرعت دگرگون می شود باید این نقیصه مهم را برطرف کرد. از سوی دیگر باید این نکته را نیز یادآوری کرد که جنبش دانشجویی برای این که بتواند نقش پیشرو و مؤثر خود را ایفا کند، نمی تواند فعالیت های خود را تنها در تظاهرات و اعتراضات خلاصه کند. ارتباطات گسترده دانشجویان با توده های کار و زحمت، این امکان را به آن ها می دهد که در سازمانیابی و متشکل کردن کارگران و زحمتکشان نقش مفیدی ایفا کرده و در ایجاد پیوند میان جنبش های اجتماعی نقش مفیدی داشته باشند. با توجه به این که دانشجویان اکثراً از خانواده های مزد و حقوق بگیران هستند، و در شرایط کنونی از محبوبیت بالایی برخوردارند، به راحتی می توانند ایده های جنبش اعتراضی را به هر خانه ای ببرند و حمایت گسترده ای را جلب کنند. این امر زمینه های پیوند مبارزات دانشجویی با مبارزات عمومی و مطالباتی را بیش از پیش مستحکم خواهد ساخت. نقش دانشجویان دختر در حرکت های دانشجویی و پیوند آن ها با جنبش زنان هم می تواند پیوند این دو نیروی اجتماعی فعال را تقویت کند. حضور دانشجویان دانشگاه های مناطق ملی نیز زمینه ساز پیوند هر چه بیشتر جنبش دانشجویی با جنبش خلق های تحت ستم ملی خواهد بود. از این روست که یکی از وظایف جنبش دانشجویی آن است که هم زمان با تظاهرات و اعتراضات در درون و بیرون از دانشگاه به سمت ارتباط گیری با جنبش توده ای حرکت کند و کارگران و زحمتکشان را در امر سازمانیابی یاری رساند.

اعتراضات فراگیر و سراسری دانشجویان، علیرغم تمامی تلاش های مذبحخانه مزدوران استبداد دینی، توانست تمامی مرزهای سانسور و کنترل را در هم بشکند و راه خود را به رسانه های جهانی باز کند. دستگاه ولایت تصمیم گرفته بود با کند کردن سرعت اینترنت، با بستن شبکه ی تلفن های همراه، با لغوموقت امتیاز خبرنگاران خارجی، و با دروغ پردازی در روزی نامه های مزدور و صدا و سیما دروغ و تقلب، از انعکاس مبارزات دانشجویی ممانعت کند و آن را در سکوت سرکوب کند و یا به حساب ولی فقیه واریز کند. اما تمامی این رشته ها نیز پنبه شد. خبرنگار شهروندی بی نظیر جوانان کشور، از تمامی این موانع عبور کرد و فریاد های "مرگ بر دیکتاتور" را به سراسر جهان مخابره کرد. عبور از سدهای سانسور دولتی و انعکاس اخبار مبارزات و فیلم های اعتراضات، هم به تداوم جنبش و هم به همبستگی مردمی با آن کمک شایانی خواهد کرد. فلج شدن دستگاه سانسور استبداد، یکی از مهمترین شرایط سرکوب را از میان می برد. دشمن را وحشت زده می

کند. بی جهت نیست که مزدوران لباس شخصی و مأموران انتظامی گاه مجبور می شوند چهره ی خود را در زیر کلاه خودهایشان پنهان سازند. همین ترس است که اراده ی آن ها را در برابر اراده خلل ناپذیر یک ملت که بیدار شده است درهم خواهد شکست. به دیگر سخن، شکستن سد سانسور، آغاز شکستن اراده سرکوب و نشاندن ترس در دل هایشان نیز هست.

شکستن سد سانسور حکومتی و رساندن پیام ها و گزارش های تظاهرات دانشجویی به سراسر جهان، موجی از حمایت از دانشجویان و مردم ایران را در جهان به دنبال داشت. رسانه های گروهی و مطبوعات بسیاری از کشورها اختیار مبارزات دانشجویی و مردمی ایران را به شکل شایسته ای انعکاس دادند. این حمایت در شرایطی انجام می گرفت که دانشجویان ایرانی خارج از کشور، چه آن ها که از ایران برای تحصیل در خارج از کشور به سر می برند و چه نسل دومی های دانشجویی، در بسیاری از شهرهای بزرگ کشورهای اروپایی و آمریکا و دیگر کشورها در روز دانشجو، تظاهرات گسترده ای سازمان دادند و خواست ها و شعارهای دانشجویان داخل کشور را به افکار عمومی جهان رساندند. همپستی و همبستگی دانشجویان خارج از کشور با دانشجویان کشور، آن چنان گسترده بود که دیوارهای جدایی را در هم ریخته است.

تظاهرات دانشجویان در ۱۶ آذر، هر چند در محدوده ی دانشگاه ها محصور ماند اما به علت سراسری بودن آن و شعارهایش، و بویژه به دلیل استقلالش، و نقش تداوم بخش و پیشتازش، باعث ترس شدیدی در میان حکومتیان شده است. بی جهت نیست که محسنی از آیه ای دادستان کل و بسیاری از فرماندهان سپاهی و انتظامی از شدت عمل بیشتر در آینده خبر داده اند. بر متن این ترس و نگرانی است که عکس پاره شده ی خمینی را مستمسکی برای سازماندهی ضد حمله ی همه جانبه ای قرار داده اند. پخش عکس پاره شده ی خمینی از سیمای جمهوری اسلامی و بسیج انمه ی جمعه و به میدان آمدن خامنه ای، با این هدف صورت می گیرد که از تأثیرات تظاهرات مستقل و سراسری دانشجویان بکاهند و قبل از آن که اقدام دانشجویان به الگوی جنبش مردمی تبدیل شود، مانع از رشد و گسترش آن شوند. آن ها که جوهر ضداستبدادی و آزادی خواهانه و دمکراتیک جنبش دانشجویی و مردمی را دریافته اند، و تاکید آن بر جدایی دین از دولت، و به یک معنا عبور قطعی از میراث خمینی بعنوان سازماندهی و تثبیت کننده ی خشن و خونین ادغام دین و دولت، را دیده اند، بشدت نگران شده اند. از این رو تلاش دارند با دامن زدن به موج اسلاما و اماما، از یک سو اصلاح طلبان را ترسانده و زیر فشار قرار دهند و از سوی دیگر به بسیج فاشیستی علیه جنبش مردمی بپردازند. اما این تقلاها نیز ره به جایی نخواهد برد. تظاهرات و اعتراضات دانشجویی در روزهای اخیر، نشان می دهد که جنبش دانشجویی و مردمی قدرتمندتر از آن شده است که با این موج سازی های فروکش کند.

۲۵ آذر ۱۳۸۸ برابر با ۱۶ دسامبر ۲۰۰۹

همبستگی ۱۰۰ استاد دانشگاه های آمریکا با جامعه دانشگاهی ایران

خبرنامه امیرکبیر: یکصد نفر از استادان و شخصیت های دانشگاهی آمریکا با صدور بیانیه ای ضمن تقبیح برخورد با دانشجویان و استادان ایرانی به ویژه در روز ۱۶ آذر، با جامعه دانشگاهی ایران اعلام همبستگی کردند. این بیانیه را شخصیت هایی چون نوام چامسکی از موسسه تکنولوژی ماساچوست، جو شواکوهن از دانشگاه هاروارد، ناتان براون از دانشگاه جورج واشینگتن، گرهارد کاسپر از دانشگاه استنفورد، دونالد امرسن از دانشگاه استنفورد، باربارا هرمان از دانشگاه یو سی ال ای، اریک اولن رایت از دانشگاه ویسکانسز، علی بنو عزیزی، بوستون کالج، و عباس میلانی از دانشگاه استنفورد به امضا رسانده اند.

تجمع اعتراضی دانشجویان شریف

در اعتراض به بازداشت دانشجویان این دانشگاه

خبرنامه امیرکبیر: دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف روز گذشته (شنبه ۲۱ آذر) در اعتراض به بازداشت دانشجویان این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز گذشته، شبیه، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در اعتراض به بازداشت مهدی اللهیاری، فرزانه رونقی، فرهاد فرزند، دیباکو قصلانی، مهدی کلاری، دانشجویان این دانشگاه و نیز برخوردهای صورت گرفته با دانشجویان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

درندگان برچه میگیرند! حقیقتی که پشت نوحه خوانی بر "تمثال پاره پاره" پنهان است.

سوسن آرام



حسینی: "سربازان کفنپوش لایت... اسلحه به دست آماده اند پیشانی تکتک شما را هدف قرار دهند."

روشنگری. از روزی که سیمای رژیم با نمایش پاره کردن عکس خمینی زمینه را برای معرکه گیری آماده کرد، همانطور که پیش بینی میشد بازار سینه زنی و البته قمه کشی گرم شده است و عوامل رژیم در متن روضه خوانی ها برای پاره کردن عکس خمینی قمه خود را به مخالفان نشان داده و خواهان دستگیری و سرکوب و حتی کشتار مخالفان میشوند. هرچه به محرم نزدیک تر میشویم این نمایش ها پررنگ تر میشود. از همین حالا دست رژیم رو شده و معلوم است از اخبار تدارک مقاومت برای روزهای تاسوعا و عاشورا به وحشت افتاده اند و برای جلوگیری از آن به معرکه گیری روی آورده اند.

روز جمعه ۲۰ آذر این معرکه گیری ها به اوج رسید. صدیقی، امام جمعه و ایسگرایی که خامنه ای برای تکمیل لیست مداحان خود به فهرست امام جمعه های تهران افزود، گفت: "انسان باید خون گریه کند... که عده ای به عکس امام جسارت می کنند و مقدسات را زیر سوال می برند."

بعد از سخنان او "امت" کف بر لب به راه افتادند و به گزارش فارس "در اعتراض به اهانت صورت گرفته به ساحت مقدس بنیانگذار جمهوری اسلامی راهپیمایی کردند."

شیخ کذا محمد یزدی، رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه از طرف این محفل اطلاعیه ای صادر کرد که "دل علاقمندان به امام خمینی در سراسر جهان به درد" آمده و بشتابید و "عاملان و مسببان" را "قاطعانه" بکوبید.

"استادان، فضلا و طلاب" حوزه علمیه در اطلاعیه ای مملو از فحش های چارواداری به مخالفان و تهنیت و تحبیب خود اعلام کردند حوزه علمیه در اعتراض به این "اقدام بی شرمانه" و "گستاخانه" و "وقیحانه" شنبه تعطیل است و به "فتنه انگیزان و سرکردگان آشوب ها" اخطار دادند.

در همین روز امام جمعه ارومیه، حسینی که معرف حضور مردم ایران است، افسار گسیخت و طبق روال معمول خود تصویر دقیق تری از چهره واقعی رژیم به نمایش گذاشت. او گفت: "امروز وقت آن رسیده تا همه کفن ببوشیم و از آرمان های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم. عکس امام را پاره کردن بی شرمی به معنای واقعی است و تحمل ولایتمداران به سر آمده است." او ادامه داد: "ای وطن فروشان بدانید حسنی و حسنی ها پیمان عهد با ولایت فقیه بسته اند، سربازان کفنپوش ولایت هستند و اسلحه به دست آماده اند پیشانی تکتک شما را هدف قرار دهند و جان خود را در راه نظام جمهوری اسلامی ایران فدا کنند."

"سربازان ولایت" اما "کفن پوش" نبودند، لباس شخصی و یونیفرم های عجیب و غریب پوشیده بودند که رابرت فیسک نویسنده و روزنامه نگار انگلیسی در گزارش عینی خود آن را به لباس "بت من" تشبیه کرد. آنها

جوانان را به کهریزک و زیر زمین وزارت کشور بردند و قبل از اینکه به پیشانی ها یا سینه و گردن آنها شلیک کنند، آنها را شکنجه کرده و به آنها تجاوز کردند، یا همانطور که همه مردم جهان در مورد ندا آقا سلطان دیدند در خیابان جلوی چشم همه به سینه جوان او شلیک کردند.

ماهیت ضد مردمی رژیم مانع آن میشود که حتی به نمایش هایی که برای لاپوشانی جنایات یا مانند این دفعه برای تدارک سرکوب راه می اندازد ظاهر انسانی بدهد. روضه خوانی ها و قمه کشی ها برای پاره کردن عکس خمینی هم از این قاعده مستثنی نیست و بیش از پیش اثبات میکند این رژیم باید هرچه زودتر از میان برداشته شود.

در اخلاق این رژیم نه شکنجه و تجاوز و قتل جوانان شرم آور است، نه بی اعتنایی به اینهمه خونی که جاری شده است. این رژیمی است که ده ها تن از جگر گوشگان مردم را در عرض چند روز پرپر میکند، از صحنه جنایت فجیع خود و قتل دلخراش ندا تناتر خیابانی همراه با ساز و دهل راه می اندازد، در مقابل سوالات ده ها پدر و مادر سوگوار خود را موظف به یک کلمه پاسخگویی نمیداند، حاضر نیست حتی تمساح وار یک قطره اشک به مقام عزیز و داغدار خود، پدر محسن روح الامینی تقدیم کند، آنوقت برای پاره کردن عکس خمینی کف بر لب می آورد. گیریم خمینی آن نبود که ملت ایران می شناسند و "قبرستان گبر و تاتار" درست کرد تا از آن لاله زار خاوران بروید و بر تارک تاریخ ایران به عنوان شاهد مقاومت دلیرانه جوانان در برابر یک رژیم قرون وسطایی از روز صفر بنشیند، گیریم خمینی آن بود که شما میگویید و باور داشت که "میزان رای مردم است". گیریم که نشان دادن عکس پاره کردن خمینی در سیمای رژیم تمهیدی نیست برای مقابله با اخبار مقاومت مبنی بر تدارک مبارزه در روزهای تاسوعا و عاشورا، برعکس تلویزیون رژیم که حتی یک بار شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" و "خامنه ای قاتله، ولایت اش باطله" را نشان نمیدهد ناگهان "دمکرات" شد و میخواست گوشه ای از آنچه را در خیابان اتفاق افتاده و مکنونات قلبی میلیون ها نفر را در تلویزیون به نمایش بگذارد...

حتی اگر این فرض های محال هم درست باشد باز این نمایش های سخیف حقیقت تلخ را به نمایش میگذارد: آنها رقص کنان گل های مردم را پرپر میکنند، اما برای پاره کردن عکس امام شان که سال هاست در گور خوابیده "خون گریه میکنند" و مردم را تهدید میکنند که "پیشانی تک تک را هدف" خواهند گرفت. این همان رژیمی است که مقام ولایتش می گوید جنایت کهریزک مساله فرعی است، افشای آن و پشت پرده ریا و خفا پنهان نکردن آن جنایت است.

اگر نبود ایمان و امید به همت جوانانی که شجاعانه باتوم و گلوله و تجاوز به دختران و پسران در سیاه چال ها را به چالش طلبیده اند، البته که باید همه خون خود را بر این حقیقت تلخ می گریستیم و هرگز از گریه باز نمی ایستادیم. اما امید، فرصت عزاداری بر اندوه بزرگ مان در غم از دست رفتگان و در ماتم سرکوب آزادی را از ما میگیرد. ما نمیتوانیم جوانان پرپر شده را به مادران شان برگردانیم، اما میتوانیم اشک شان را پاک کنیم و با اطمینان و سرافراز بگوییم خون ندها و سهراب ها درخت آزادی را آبیاری کرده است و این درخت بارور خواهد شد.

ما که راهل نقاص، نیستیم. ما اهالی شهر آزادی و دادگستری هستیم. و بر پهنه آسمان زیبایی این شهر ندها و سهراب ها ستاره اند و مادران را دلدار می دهند. آسمان زیبایی شهر آزادی و دادگستری پر از هزاران ستاره است که از روز صفر مقاومت در برابر فریب و فرمان ارتجاع را آغاز کردند و دسته دسته به خاک افتادند. و آنها ایرانیان را دلدار می دهند که: آسمان سیاه رژیم استبداد دارد به زمین می افتد و ندها، سهراب ها در آسمان روشن آزادی خواهند درخشید.

درندگان از ترس این حقیقت است که خون میگیرند نه از اندوه پاره کردن عکس امام شان. دومی تظاهر است و ریا، اما اولی- ترس- واقعی است و از اعماق وجود. پس بگذار تمام محرم را به عزای عکس ها اختصاص داده و معرکه بگیرند. آنوقت هر روز بیش از روز پیش مچ خود را باز کرده و نشان میدهند در این نظام مثال دیگر نظام های استبدادی "تمثال های مبارک" و "مقام های معظم" بی اعتنایی به خون و جان و زندگی مردم و باجاری کردن دریایی از خون جوانان وجودشان را تضمین میکنند، اما همین خون زیر بنای قدرت شان را سست و پوک، ولایت شان را باطل و تمثال های شان را سرتگون میکند. بگذار با دهان کف کرده نوحه وحشت بخوانند و "حسینی ها" تمثال امام در دست خود را برای هدف گرفتن پیشانی تک تک مردم آماده کنند، ما به راهنمایی ستارگان مان با قلبی پر از امید و زبانی سرود خوان خود را برای جشن آزادی آماده میکنیم.

۲۰ آذر ۱۳۸۸

* دیدگاه *

آیارسنجانی آینده خود را در نظامی دیگر می بیند!

ناصر مستشار

هاشمی رفسنجانی به ناپایداری نظام کنونی پی برده است. او بدستی دریافته است که وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی بسیار لرزان است. وی فهمیده است که حکومت دیگر مانند گذشته نمی تواند بر مردم حکمرانی کند و مردم نیز دیگر حاضر نیستند مانند گذشته از جبریت حکومت فرمانبرداری نمایند. هاشمی سیاستمداری پراگماتیست و هوشیار و موقعیت سنج است. بدین لحاظ او خود و اطرافیانش را برای جانشینی نظامی دیگر که از حکومت اسلامی ولایت فقیه کنده شوند و به شکل نوین جمهوری در قالب های اسلامی با قرآنی تازه و با نظارت کامل روحانیت نخبه طرفدار نظم نوین در حال انتقال می بیند. در مقابل تفکر ارتجاعی محمد تقی مصباح یزدی که می گوید، ولی فقیه مشروعیتش را از الله می گیرد و به رای مردم اصلا احترام نمی گذارد اما هاشمی رفسنجانی رسماً گفته است اگر مردم ما را نمی خواهند، ما باید برویم که همین باعث نارضایتی رهبر شده است. تهدیدات امروز وزیر اطلاعات علیه هاشمی با اجازه و توصیه خامنه ای بوده است چرا که وزیر اطلاعات از سخنان هاشمی اینگونه استنباط کرده است: به دیدگاه اکبر هاشمی رفسنجانی در مورد مبنای مردمی ولایت فقیه گفت "هاشمی همچنین ادعا کرده است تا زمانی که مردم ولی فقیه را بخواهند باید باشد و اگر مردم او را نخواستند، باید کنار رود". این در حالیست که هاشمی رفسنجانی نگفته است اگر مردم ولی فقیه را نخواستند، باید کنار برود بلکه او گفته است اگر مردم ما نخواستند ما باید برویم! او نیز خود را به اندازه خامنه ای، صاحب نظام می داند و در بنیان گذاری جمهوری اسلامی شریک اساسی تلقی می نماید و نمی خواهد تا نظامی که بدست او شکل گرفته است با چموش گری های افراد تازه در حکومت از میان برود. هاشمی قلباً برای نظام دل می سوزاند. رفسنجانی خواسته است این بار باریان مستقیم نه مانند گذشته با گفته های ایما و اشاره به مردم بگوید اگر رهبری کنونی کشور را نمی خواهید پس خود را برای انتخاب رهبر تازه که شاید خودش باشد، آماده سازید! هاشمی رفسنجانی که از عواقب مصاحبه اخیر مطبوعاتی خویش پیشاپیش مطلع بود در این مورد چنین گفته بود: برخی رای مردم را زینتی می دانند!

«هاشمی تصریح کرد: بنده ساکت نیستم ولی اکنون در شرایطی قرار داریم که حرف زدن تحمل نمی شود و سخن گفتن ما برای جامعه مفسده دارد.»

کروبی موقعیت کنونی حکومت اسلامی را برای جناح های مختلف حاکمیت جهت آشنی ملی مناسب نمی داند و با صراحت می توان گفت که تضادها در درون حکومت به شدت آنتاگونیستی شده است. ماههای قبل آیت الله صانعی نیز رسماً گفته بود که با جناح مقابل اصلاً نمی توان صحبت کرد. تشریح اوضاع کنونی حاکمیت و جامعه ایران را می توان در سخنان زیر یافت: **امروز رسیدن به وحدت، امر یقینی است** «بروجردی با بیان اینکه در این دوره تفرقه فراگیر شده است تصریح کرد: علت عمده فراگیر شدن این تفرقه که حتی تا لایه های پائین جامعه نیز رسوخ پیدا کرده می توان در رفتار حاکمان یافت.

وی افزود: امروز کسانی که قدرت را در اختیار دارند از ابراز قدرت برای رسیدن به وحدت استفاده نمی کنند.»

موقعیت و جایگاه و شخصیت هاشمی رفسنجانی با شاپور بختیار - تفاوت های بسیار آشکاری دارد اما هاشمی نیز برای نجات نظام و جلوگیری از هرج و مرج مانند دوره انقلاب ۵۷ مانند دکتر بختیار به تلاش و تقلاء افتاده است. بختیار نیز آمادگی خود را برای انتقال جامعه از نظام پادشاهی به جمهوریت اعلام داشته بود تا خود نیز در نظام آتی نیز نقشی ایفاء نماید که شوربختانه همه آن آرزوها جامه عمل نپوشید! اینک رفسنجانی نیز می خواهد با مدیریت خویش - نظام را به دوران دلخواهش انتقال دهد. اینکه آیا هاشمی رفسنجانی در این برهه حساس تاریخی مانند بختیار شکست خواهد خورد یا به موفقیت خواهد رسید به عوامل گوناگون همچون حمایت مردم از سیاست های وی و به فراموشی سپردن همه جنایات نامبرده در گذشته بستگی دارد؟ قدر مسلم هاشمی رفسنجانی به پشت جبهه بخشی از حکومت اعتماد کامل دارد که در همین راستا، پشتیبانی بخشی از سیاستمداران جهان نیز از وی او را بیشتر دلگرم می کند. بخش وسیعی از تکنوکرات ها و مدیران صنعتی و بانکدار و بازار و اصلاح طلبان مانند خاتمی، موسوی، کروبی هنوز پشت هاشمی رفسنجانی ایستاده اند. برای مثال رئیس جمهور سابق ایران یعنی ابوالحسن بنی صدر مدتهاست که از همه انتقاد های خود علیه رفسنجانی صرف نظر کرده است. علیرغم اینکه هاشمی در خلع ید از بنی صدر با گفتن این جمله «کنار گذاشتن بنی صدر از تعویض یک کادخدا روستا برای ما راحت

تر بود" نقش ویژه ای داشت! هاشمی رفسنجانی مانند یک سیاستمدار کهنه کار - مطمئناً همه زمینه ها را برای صعود خویش ابتدا آماده کرده است و اوبی گذار به اب نمی زند چرا که او کشتی جمهوری اسلامی را بارها از غرق شدن نجات داده است. خمینی در باره رفسنجانی گفته بود: «تار رفسنجانی زنده است انقلاب اسلامی نیز زنده خواهد ماند»! اما مگر رفسنجانی تا ابد زنده خواهد ماند؟ پس از گفته خمینی می توان اینچنین نتیجه گرفت که با مرگ رفسنجانی، انقلاب اسلامی نیز از بین خواهد رفت! اما اگر جناح مقابل کاملاً بدین موضوع پی ببرد که پاشنه آشیل رهبری دوره انتقالی از چنگال خامنه ای و اعوان و انصارش به اصلاح طلبان، تنها در اختیار رفسنجانی است و با از بین بردن هاشمی همه جنبش سبز باز خواهد ایستاد، حتماً به جراحی بزرگ دست خواهد زد و او را از پای در خواهد آورد. اما جناح مقابل بخوبی می داند که جنبش کنونی وابسته به یک شخصیت و یا یک جریان نیست که با از زدن یکی از آنها مانع پیشرفت آن جنبش سراسری گردد بلکه جنبش حاضر همچون آتشی است که عمارات جنایت را یکی پس از دیگری در شعله های خود می سوزاند. خمینی بارها به مردم آموخته بود که انقلاب اسلامی وابسته به اشخاص نیست اینک نیز جنبش سبز مردم ایران وابسته به اشخاص معین نیست! جنبش سبز پس از یک دوره زمستان طولانی پس از ذوب شدن یخهای منجمد از کوهسار ها جاری شده است و به رودخانه های سهمگین تبدیل شده و می خواهد به دریاها ی آزاد بپیوندد. کلام آخر اینکه - هر نیروی در حال حاضر اگر بخواهد، حرکت جنبش سبز مردم ایران را سد یا منحرف سازد، مطمئناً نابود خواهد شد. برگرفته از سایت دیدگاه

پاسخ هاشمی رفسنجانی در رابطه با حملات مخالفان در هیئت حاکمه!

پارلمان نیوز: رئیس مجلس خبرگان رهبری تاکید کرد: اگر برخی فکر کنند با ارباب و فضا سازی می توانند مسائل را حل نمایند در اشتباهند و اگر هم به صورت ظاهری آن را حل کنند پس از گذشت زمان کوتاهی آن موضوع وسیع تر از گذشته مطرح خواهد شد. ۲۵ آذر ۱۳۸۸

در یکی از جلسات ستاد بحران در سال ۱۳۵۷ یکی از امرای ارتش شاه گفت: مثل گلوله برفی در مقابل آفتاب آب خواهیم شد. اکنون به گفتاری از آخرین جلسه شورای عالی امنیت ملی، در رژیم ولایت فقیه توجه نمایند:

نگرانی از کنترل شهرهای بزرگ!

یکی از حاضران در جلسه، که سابقه طولانی عضویت در شورای عالی امنیت ملی را دارد، در مقام رد گزارش احمدی نژاد گفته است: «آنچه که بنده در این جلسه می گویم، چکیده گزارشی است که اخیراً خدمت رهبری هم تقدیم شده و ایشان نیز مفاد این گزارش را تأیید کرده اند. در آن گزارش ما تاکید کرده ایم که وضع کنونی تنها با حضور نظامی در شهر قابل دوام است، اما این خطر وجود دارد که ادامه این حضور به امری عادی تبدیل شده و فرسودگی و تزلزل روحیه نظامی ها را موجب شود. آقای احمدی نژاد می فرمایند اوضاع تحت کنترل قرار گرفته و از تظاهرات خیابانی دیگر خبری نیست. بنده در اینجا عرض می کنم و در گزارشی که خدمت مقام رهبری هم داده شد قید شده که اگر ما دچار این خوش بینی شویم که مردم خسته شده و عقب نشینی کرده اند، آنوقت باید ببینیم که بر جمعیت طرفداران دولت اضافه شده یا خیر؟ در حالیکه سه گزارش از سه سفر آقای احمدی نژاد به مشهد، تبریز و اصفهان خلاف این را نشان میدهد. یعنی علیرغم همه تدابیر و فراهم ساختن همه امکانات و تبلیغات، جمعیت بسیار اندکی در این سه سفر از ایشان استقبال کردند و در محل سخنرانی، در هر سه شهر تنها چند هزار نفر را توانستیم بسیج و حاضر کنیم. ایشان در این جلسه فرمودند "براندازی مخملی را جمع کردیم". بنده این جمله را به شکل دیگری و با اشاره به واقعیت سفر آقای احمدی نژاد به تبریز و مشهد و اصفهان بیان کردم و می خواهم در اینجا آن را تکرار کنم. مردم خیلی مخملی پشت دولت را خالی کرده اند. تظاهرات مردم قابل پیش بینی نیست و فعلاً با نیروی نظامی جلوی آن را گرفته ایم. هر گاه این نیروی بازدارنده نباشد، خطر تظاهرات هست. به قسمت دوم لیوان نگاه کنیم. یعنی به واکنش مردم به سفرهای ایشان به تبریز و اصفهان و مشهد. یعنی سه شهر بزرگ ایران، بعد از تهران. در اصفهان ۱۵ میلیونی با آنکه از شهرهای اطراف هم نیرو بسیج شد، واقعاً چند هزار نفر در میدان امام جمع کردیم؟ به ۱۰ هزار نفر می رسید؛ در مشهد و تبریز وضع از این هم بدتر بود. مردم با نظام قهر کرده اند.» ۲۴ آذر ۱۳۸۸

موج سازی توطئه آمیز تازه کودتاگران

*در واکنش به ضربه ای که در ۱۶ آذر بر کودتاچیان و دستگاه آبرویخته ولایت مطلقه فقیه وارد آمد، توطئه ای تازه برای بسیج ایادی حکومت راه اندازی شده است که کلید آن را صدا و سیما با پخش تصویر آتش زدن عکس خمینی در جریان اعتراضات ۱۶ آذر زده است..... روشنگری: در کنار تداوم بازداشت و سرکوب فعالین و بویژه فعالین جنبش دانشجویی، در واکنش به ضربه ای که در ۱۶ آذر بر کودتاچیان و دستگاه آبرویخته ولایت مطلقه فقیه وارد آمد، توطئه ای تازه برای بسیج ایادی حکومت راه اندازی شده است که کلید آن را صدا و سیما و کودتاچیان با پخش تصویر آتش زدن عکس خمینی در جریان اعتراضات ۱۶ آذر زده است. موج جدید، ضد حمله رژیم کودتا پس از ضربه ۱۶ آذر است؛ واکنش گرگ زخم خورده ی در محاصره گرفتار آمده ای است که چنگ و دندان نشان می دهد.

به خط کردن دستگاههای تبلیغاتی حکومتی که در ۱۶ آذر معلوم شد به طرز مفتضحانه در برابر جنبش اطلاع رسانی توده ای شهروندی شکست خورده است، و راه اندازی موج تبلیغی و فریاد "واماما" سر دادن افرادی که رسماً می گویند منتظر دستور "آقا" هستند تا "خرخره" مخالفان را "بجویند" و پیش بردن خط تصفیه در پشت سر این موج تبلیغاتی، شیوه دیرآشنا و شناخته شده رژیم برای دفع فشار سنگین جنبش اعتراضی و حفظ سطح کنونی توازن قوا به سود حکومت است.

موج اخیر ظاهراً وظیفه دارد:

اولاً بخشی از نیروهای معتقد به خمینی را که به هر دلیل با معترضان همراهِ هستند، از آنها جدا کند؛ یعنی جا بیاندازد که افرادی چون خاتمی، کروبی و موسوی، که از آنها به عنوان "سران اغتشاشات" نام می برد از اساس با خمینی مخالف هستند و با موجودیت رژیم درافتاده اند و از این طریق آن بخشی از مخالفان را که علت مخالفت های کنونی شان را با ایده انحراف حاکمیت از "خط امام" توجیه می کنند، خلع سلاح سازد.

برای دستگاه ولایی و دولت امنیتی/ نظامی که آماج اصلی حمله جنبش اعتراضی قرار دارد و در تنگنا افتاده است، هر حدی از تفرقه و تجزیه و جداسازی میان طیف های مختلف مخالفان اکنون بویژه مفید و موثر است. ضمن این که خصلت آشکارا ساختارشکنانه جنبش اعتراضی را وسیله مناسبی برای سرمایه گذاری بر تردیدهای بخش های معینی از همراهان این جنبش در وضع فعلی می بینند. اگر در این سیاست موفق شوند، صد البته همچنان که هم اکنون در موج تبلیغاتی فعلی شان از زبان افرادی چون ملاحسنی می گویند دیگر نه فقط پیشانی کروی در ۱۳ آبان که "پیشانی تک آنها را هدف قرار می دهند" و یا همانطور که یکی دیگر از این مرتجعان به نام شجونی که گفت: "اگر آقا لب تر کند خرخره این آقایان را می جویم" حتماً خرخره این آقایان را خواهند جوید. زیرا "آقا"یی که با بی شرمی گفته است، شکنجه و تجاوز و قتل های هولناک در کهریزک موضوعی فرعی است، اگر "آقایان" مورد اشاره به دام او "واماما"ی این جماعت رذل و آدمکش و جنایتکار بیافتند و خرخره هایشان را برای جویدن اهدا کنند، چرا ندهد خرخره هایشان را امثال ملاحسنی و شجونی بجویند؟

ثانیاً: فرار به جلوس تا بر مبنای ایده بهترین دفاع حمله است، پیشاپیش با ایده بهره برداری از فرصت های نوین اعتراضی در اجتماعات ماه محرم مقابله کنند. و این مراسم ها را به جای تبدیل شدن به ابزاری در خدمت اعتراض به سرکوب و دیکتاتوری، به نمایش اربعاب رژیم علیه مردم تبدیل کنند.

ناگفته روشن است ضد حمله رژیم و توطئه تبلیغاتی جدیدش و خط ادامه تصفیه که پشت سر آن قرار دارد، با ادامه جنبش اعتراضی، تشدید محاصره دستگاه ولایی و ایادی زور و شکنجه و تجاوز جنسی خنثی خواهد شد. ۲۲ آذر ۱۳۸۸

.....
سازمان ملل: ۴۲۰۰ ایرانی پس از انتخابات اخیر مختلف پناهنده شده اند
وال استریت جورنال به نقل از گزارش سازمان ملل متحد نوشته است: پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در خردادماه گذشته، دست کم ۴۲۰۰ نفر از شهروندان ایرانی به کشورهای جهان پناهنده شده اند. در مقاله بلند روز جمعه وال استریت جورنال همچنین آمده است: ایرانیاتی که کشور خود را ترک می کنند پس از اقامت یکی دو هفته ای در اینجا و آنجا نهایتاً از کشورهای همچون استرالیا، کانادا و سوئد سر در می آورند و معمولاً بلافاصله تقاضای پناهندگی خود را به جریان می اندازند. خیرآتلاین ۲۱ آذر

یورش وحشیانه گارد زندان به زندانیان

سیاسی بی دفاع بند ۴ زندان گوهردشت کرج

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، صبح امروز گارد زندان گوهردشت کرج به زندانیان سیاسی و سایر زندانیان بی دفاع بند ۴ زندان گوهردشت کرج یورش بردند و زندانیان را مورد اهانت و اذیت و آزار قرار دادند.

روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه گارد زندان به بند ۴ زندان گوهردشت کرج که محل بازداشت اکثر زندانیان سیاسی است یورش بردند و زندانیان را با عریه کشی اهانت و بد رفتاری به سالن هواخوری که رو باز است و در معرض سرمای شدید می باشد برای مدت طولانی منتقل کردند. سپس همراه با سگهای خود به سلولهای زندانیان سیاسی یورش بردند و حداقل وسایل شخصی آنها را که توسط خانواده هایشان تامین شده بود پخش و تخریب کردند. دست نوشتهها و کارتهای تلفن که برای تماس با خانواده های خود مورد استفاده قرار می دادند را با خود بردند. گارد زندان حتی مواد غذایی که زندانیان سیاسی که از فروشگاه زندان خریداری کرده بودند را با خود بردند.

در این یورش وحشیانه نزدیک به ۴۰ نفر از نیروهای گارد زندان شرکت داشتند آنها توسط مرادی و سمیعی فرماده می شدند. این یورش وحشیانه برای مدتی طولانی ادامه داشت. علی حاج کاظم رئیس زندان گوهردشت کرج دستور دهنده این یورش بود و تحت نظارت کرمانی و فرجی رئیس و معاون حفاظت و اطلاعات زندان صورت می گرفت.

بند ۴ زندان گوهردشت کرج محل بازداشت اکثر زندانیان سیاسی است که از جمله آنها ؛ منصور اسالو رئیس هیئت مدیره شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، علی صارمی، سعید ماسوری، افشین بایمانی، ارژنگ داودی، علی معزی، هود یازلو، میثاق یزدان نژاد، محمد علی منصوری، شیرمحمد رضانی، منصور رادپور و تعداد زیادی از زندانیان سیاسی دیگر می باشند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورش وحشیانه گارد زندان به زندانیان سیاسی و سایر زندانیان بی دفاع تخریب و به سرقت بردن وسایل شخصی آنها را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای حقوق بشری خواستار اقدامات عملی برای پایان دادن به جنایت علیه بشریت علیه زندانیان سیاسی در ایران است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران
۲۴ آذر ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹

.....
ابتلای ۳۶ میلیون ایرانی به انفولانزای نوع A تا ۲ سال آینده
ایلنا: وزیر بهداشت و درمان گفت: بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت و پاندمیهای قبلی انفولانزا در جهان اعلام شده که حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد جمعیت دنیا طرف دو سال به این ویروس مبتلا می شوند که کشور ما نیز از این امر مستثنی نیست.
مرضیه وحیددستجردی در گفتگو با خبرنگار ایلنا، افزود: اگر ۷۲ میلیون نفر جمعیت کنونی ایران است براساس پیش بینیهای احتمالی، حدود ۳۶ میلیون نفر در ۲ سال باید قطعا به انفولانزای نوع A مبتلا شوند.

دستجردی اظهار کرد: در ایران نیز احتمال می رود هر ۱/۵ تا ۲ ماه موج جدیدی از انفولانزای نوع A کشور را فراگیرد. ۲۰ آذر

امتناع بانکهای چینی از گشایش اعتبارات تجاری ایرانی

آفتاب یزد : دو بانک بزرگ چینی از گشایش اعتبارات اسنادی تجاری ایرانی امتناع می کنند.

دو بانک بزرگ چینی که اکثر تجار و بازرگانان ایرانی LC یا اعتبارات اسنادی خود را در این بانکها باز می کنند، به تازگی و در اقدامی جالب توجه از بازگشایی اعتبارات اسنادی خودداری می کنند.
دو بانک «ساختمان و مسکن» و «کشاورزی» چین در یک هفته اخیر به درخواستهای تجاری ایرانی جواب رد داده اند و با تغییر رویه قبلی خود، اعتبارات اسنادی را که تجاری ایرانی برای خرید و واردات کالاهای چینی به ایران تقاضا کرده اند را بی پاسخ گذاشته اند.

من هنوز یک انسانم

اگر به خانه‌ی من آمدی
برایم مداد بیاور، مداد سیاه
می‌خواهم روی چهره‌ام خط بکشم
تا به جرم زیبایی در قفس نیفتم.
یک ضربدر هم روی قلبم، تا به هوس هم نیفتم!
یک مداد پاک کن بده برای محو لب‌ها
نمی‌خواهم کسی به هوای سرخیشان، سیاهم کند!
یک بیلچه، تا تمام غرایز زنانه را از ریشه درآورم
شخم بزخم وجودم را ... بدون این‌ها راحت‌تر به بهشت می‌روم
گویا!

یک تیغ بده، موهایم را از ته بتراشم، سرم هوایی بخورد
و بی‌واسطه روسری کمی بیاندیشم!
نخ و سوزن هم بده، برای زیانم
می‌خواهم ... بدوزمش به سق
... اینگونه فریادم بی صداتر است!
قیچی یادت نرود،

می‌خواهم هر روز اندیشه‌هایم را سانسور کنم!
پودر رختشویی هم لازم دارم

برای شستشوی مغزی!
مغز من را که شستم، پهن کنم روی بند
تا آرمان‌هایم را باد با خود ببرد به آنجایی که عرب نی انداخت..

می‌دانی که؟ باید واقع‌بین بود!

صداخفه کن هم اگر گیر آوردی بگیر!

می‌خواهم وقتی به جرم عشق و انتخاب،

برچسب فاحشه می‌زنند

بخضم را در گلو خفه کنم!

یک کبی از هویتم را هم می‌خواهم

برای وقتی که خواهران و برادران دینی به قصد ارشاد،

فحش و تحقیر تقدیم می‌کنند،

به یاد بیاورم که کیستم!

ترا به خدا ... اگر جایی دیدی حقی می‌فروختند

برایم بخر ... تا در غذا بریزم

ترجیح می‌دهم خودم قیل از دیگران حقم را بخورم!

سر آخر اگر پولی برایت ماند

برایم یک پلاکارد بخر به شکل گردنبند،

بیاویزم به گردنم ... و رویش با حروف درشت بنویسم:

من یک انسانم

من هنوز یک انسانم

من هر روز یک انسانم

غاده السمان، شاعری توانا از سوریه

ادامه اعتراضات خانواده‌ها و

لیست جدیدی از دستگیر شده‌های ۱۶ آذر

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، از صبح امروز چهارشنبه ۲۵ آذر ماه بیش از ۱۰۰ نفر از خانواده بازداشت شده‌های ۱۶ آذر در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند و خواستار ملاقات فوری با عزیزانشان و آزادی آنها بودند. خانواده‌های دانشجویان زندانی از شکنجه و وادار به اعتراف عزیزانشان سخت نگران هستند.

اکثر دانشجویان دستگیر شده از زمان دستگیری تا به حال تماسی با خانواده‌های خود نداشتند و گزارشاتی حاکی از شکنجه دانشجویان برای گرفتن اعترافات دروغین توسط بازجویان سپاه پاسداران است.

با وجود سردی هوا خانواده‌ها از صبح تا ساعت ۱۲ در دادگاه انقلاب می‌مانند و هنگام نماز که دادگاه انقلاب را به مدت ۱ ساعت تعطیل می‌کنند باز خانواده‌ها به خصوص مادران و خانواده‌هایی که از شهرستان آمده‌اند در سرما پشت در دادگاه انقلاب می‌ایستند تا ثابت کنند که تهدیدها و فشارها بر آنها کار ساز نیست و در هر شرایطی به پیگیری وضعیت عزیزانشان ادامه می‌دهند.

لیست اسامی تعداد دیگری از بازداشت شدگان روز ۱۶ آذر ماه که برای ارسال به سازمانهای حقوق بشری و اطلاع عموم انتشار یافته است را در سایت روشنگری ملاحظه نمایید.

تشدید شکاف در سطوح بالای رژیم.

به گزارش فارس محمد یزدی، رفسنجانی را افشا می‌کند.

به گزارش خبرگزاری فارس از قم، آیت‌الله شیخ محمد یزدی ظهر امروز در دیدار با مدیران گروه تبلیغی اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه کشور با بیان اینکه همه‌چهره سران فتنه را شناخته‌اند، اظهار داشت: من ناراحتم، شخصیتی که لباس روحانیت بر تن دارد، امروز به عنوان یک جوك در جامعه مطرح شده است و به او شیخ اصلاحات هم می‌گویند، چه کسی این شخصیت را تزلزل داده است، در همین سفر اخیر وی به قم اگر از او مراقبت نمی‌شد معلوم نبود چه اتفاقی برایش می‌افتاد.

آیت‌الله یزدی در رابطه با هاشمی رفسنجانی گفت: ، متأسفانه نماز جمعه‌ای که خواندند همه یادشان است و در آخر نماز با تردیدی که مطرح کردند، تمام زحماتی که رهبری کشیده بودند را خنثی کردند، چه تردیدی وجود دارد. وی ادامه داد: آقای هاشمی از شما می‌پرسم، شما چکاره بودید که کمیته نظارت بر آرا مردم را تشکیل دادید..... برخی‌ها دوست دارند که دفع شوند. آقای هاشمی سکوت را شکستند و در مشهد سخنرانی کردند.. در زمان ریاست بنده در قوه قضائیه دخترش پرونده داشت و به بنده می‌گفت پرونده را ببندم....، در این نظام روحانی داشتیم که حکم اعدام پسر خود را به خاطر اسلام صادر کرد،

۲۳ آذر ۱۳۸۸

یک نماینده مجلس: مهدی کوچکزاده : من خودم نامه رفسنجانی را دیدم که نه سلام داشت و نه والسلام و برای رهبر خط مشی تعیین کرده بود.

۲۴ آذر ۱۳۸۸

صدور حکم ۹ سال حبس و شلاق برای یک روزنامه‌نگار و اقتصاددان

صدای آلمان : سعید لیلانز، سردبیر روزنامه سرمایه، از سوی دادگاه انقلاب تهران به ۹ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. محمد عزیززاده طباطبایی، وکیل این روزنامه‌نگار به خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا گفته است که موکلش به واسطه شغلش که روزنامه‌نگار و اقتصاددان است با کارشناسان سفارتخانه‌های مختلف جلساتی داشته است. به گفته‌ی آقای عزیززاده طباطبایی همین جلسات منبای متهم کردن لیلانز به "اجتماع و تبتائی برای اقدام علیه امنیت ملی" قرار گرفته است. به گفته‌ی عزیززاده طباطبایی، همچنین مقالاتی که سعید لیلانز در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۸۰ نوشته، منبای دیگری برای صدور حکم یک سال زندان برای این روزنامه‌نگار بوده است.

گرچه سعید لیلانز روز ۲۷ خرداد در منزل مسکونی‌اش دستگیر شد، به اتهام شرکت در راهپیمایی ۲۵ خرداد نیز به یک سال حبس محکوم شده است. سردبیر روزنامه سرمایه به اتهام توهین به مسنولان نظام به دو سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق نیز محکوم شده است. ۲۳ آذر ۱۳۸۸

تجمع اعتراضی دانشجویان شریف

در اعتراض به بازداشت دانشجویان این دانشگاه

خبرنامه امیرکبیر: دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف روز گذشته (شنبه ۲۱ آذر) در اعتراض به بازداشت دانشجویان این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز گذشته، شنبه، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در اعتراض به بازداشت مهدی اللهیاری، فرزاد رنوفی، فرهاد فرنود، دیاکو فصلانی، مهدی کلاری، دانشجویان این دانشگاه و نیز برخوردهای صورت گرفته با دانشجویان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

امتناع بانکهای چینی از گشایش اعتبارات تجاری ایرانی

آفتاب یزد : دو بانک بزرگ چینی از گشایش اعتبارات اسنادی تجاری ایرانی امتناع می‌کنند.

دو بانک بزرگ چینی که اکثر تجار و بازرگانان ایرانی LC یا اعتبارات اسنادی خود را در این بانک‌ها باز می‌کنند، به تازگی و در اقدامی جالب‌توجه از بازگشایی اعتبارات اسنادی خودداری می‌کنند.

دو بانک «ساختمان و مسکن» و «کشاورزی» چین در یک هفته اخیر به درخواست‌های تجاری ایرانی جواب رد داده‌اند و با تغییر رویه قبلی خود، اعتبارات اسنادی را که تجاری ایرانی برای خرید و واردات کالاهای چینی به ایران تقاضا کرده‌اند را بی‌پاسخ گذاشته‌اند.

اکرم زینالی، مادر سعید زینالی پس از ده سال سخن می گوید

ده سال است، به دنبال رد پایی از پسر من به تمام نهاد ها مراجعه کرده ام ولی هیچ کس پاسخگو نیست. پسر من، سعید زینالی متولد ۱۳۵۶ ترم آخر رشته کامپیوتر بود. صبح روز ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸ دوست و همکلاسی اش شهرام چراغی زنجانی زنگ در منزل ما را زد و سعید را خواست، ماموران امنیتی با شهرام بودند، شهرام دستگیر شده بود، آنها سعید و شهرام را با خود بردند و امروز بیش از ده سال و نیم است که من و همسر آواره و سرگردان به تمام نهاد هایی که باید پاسخگو باشند مراجعه کرده ایم ولی هیچ کس پاسخگو نیست و من هیچ خبری از او ندارم ... حتی یک تلفن، یک ملاقات، یک نامه... هیچ فقط شنیدم احمد باطبی گفته صدای سعید را هنگام بازجویی شناخته و اسم سعید در لیست دانشجویان دستگیر شده دانشگاه تهران بود فقط همین! ماه رمضان بود داشتیم افطار می کردیم روز قیبل سعید را بازداشت کرده بودند ماموران زنگ همسایه را زده بودند و بدون خبر، از پله ها بالا آمده و زنگ آپارتمان ما را به صدا در آوردند فکر کردم همسایه است و برای دلداری ما آمده ولی سه مامور قوی هیکل وارد شدند و گفتند حجاب تان را رعایت کنید ما آمده ایم برای تفتیش منزل، نه حکمی نه دستوری از جایی به ما نشان دادند که بفهمیم به دستور چه نهادی پسرمان بازداشت شده. اسلحه ها و بی سیم هایشان مجوزشان بود. تمام خانه را زیر و رو کردند و کتاب ها و دست نوشته ها و کامپیوتر سعید را با خود بردند. من از فردای آنروز، به دنبال ردپایی از پسرم هستم ولی روز ناامید تر می شوم. هیچ کس پاسخگو نیست. من سعید را دست تنها و بدون پدر بزرگ کردم، پدر سعید یک رزمنده است و چهار سال در جبهه فاو بوده، آنوقت این طور دستمزد ما را می دهند. در تمام این مدت ده سال و نیم به همه جا مراجعه کرده ام از بیت رهبری گرفته تا وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، دادگاه انقلاب، وزارت کشور، مجلس، قوه قضائیه، دادستانی و انجمن های مختلف، حتی به نماینده سازمان ملل در تهران ولی هیچ کس تا کنون به داد من نرسیده که حداقل بگوید پسر من زنده است یا نه! آیا من مادر حق ندارم بدانم فرزندم کجاست؟ چقدر طاقت بیاورم! دیگر صبرم لبریز شده، هر بلایی سر پسر من آورده اید حداقل بگویید مزارش کجاست؟ رئیس نیروی انتظامی اول آقای نقدی بود پیش او رفتم می گفتند خبر می دهیم و ندانند بعد آقای قالیباف رئیس نیروی انتظامی شد شنیدیم می خواهند بروند جمکران رفتم آنجا آقای قالیباف را دیدم نامه دادیم عکس دادیم از دفترشان تلفن زدند عکس جدید بیاورید عکس جدید بردیم گفتند هفته دیگر بیاورید رفتم هیچ کس پاسخگو نبود اصلن دیگر به داخل راهمان ندانند. می گفتند دست اطلاعات سپاه است به اداره سپاه پاسداران رفتم نتیجه ای نگرفتم. همه جا نه یک بار هزار بار مراجعه کردیم ولی کسی به داد ما نرسید. رفتم مجلس پیش نماینده های مختلف نماینده های تهران و میانه شهر خودمان. آقای موسوی خونی نماینده مجلس تهران بود وکالت گرفت که پرونده را دنبال کند ولی خبری نشد، گفتند نماینده سازمان ملل آمده رفتم هتل لاله نامه و عکس و درخواست و هر چه که لازم بود دادم گفتند خبرتان می کنیم ولی دریغ از یک همدردی. خدمت آقای باقی رفتم انجمن دفاع از حقوق زندانیان نتوانستند خبری پیدا کنند. در دادگاه انقلاب به ما گفتند مدارک کامل را بیاورید پدر شهرام خدا رحمت کند زنده بود با هم مدارک بچه ها را بردیم هفته بعد که برای جواب رفتم گفتند جوان ها گول خورده اند و از مرز خارج شده اند به پلیس بین الملل گفته ایم پیدایشان می کنند ، منتظر باشید ما به شما خبر می دهیم. این یکی دیگر خیلی مضحک بود، ماموران آمده اند خانه ما پسر را با خود برده اند و خانه را هم زیر و رو کرده اند حالا می گویند از مرز خارج شده. ده سال دروغ تحویل ما دادند. در مراسم ختم شهید محسن روح الامینی، پسر دکتر روح الامینی به آقای محسن رضایی و آقای دکتر جریان را گفتم، آقای روح الامینی گفت چرا ده سال سکوت کرده ای مدارک را دادم گفتم شما در حکومت هستید ولی درد مرا الان می فهمید من خواسته ام از مجاری قانونی پیگیری کنم نشده، گفت پیگیری می کنم و به شما خبر می دهم. هیچ خبری نشد خودم تلفن زدم گفت در سفر هستم با شما تماس خواهم گرفت ولی کو؟ هیچ کس کاری نمی کند همه فقط حرف می زنند. در این سال ها،

افراد سودجویا نام مامور چه سوء استفاده هایی که از ما نکردند تازه همسر من پیکانی خریده بود تلفن زدند که پیکان را با سند و سونچ اش در فلان خیابان بگذارید سعید امشب آزاد می شود ما هم فکر کردیم همان طور که غیر قانونی دستگیرش کردند و نگاهش داشته اند به صورت غیرقانونی هم آزاد می کنند و به همه خواسته های سودجویان تن دادیم ماشین مان را هم از دست دادیم و چند بار همین طور گول خوردیم. دیگر طاقتم طاق شده است، پسر من چه گناهی مرتکب شده بگوید. من درد همه مادرانی که فرزندشان در زندان است را می فهمم، من درد همه مادرانی که فرزند از دست داده اند را با تمام وجودم، حس می کنم ولی درد مرا هم بشنوید و کمک ام کنید. می خواهم فریاد بزنم و از همه بخواهم به من کمک کنند تا فرزندم را مرده یا زنده پیدا کنم. آقای خامنه ای رهبر معظم به داد من برسید! رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس، رئیس قوه قضائیه، وزیر اطلاعات، وزیر کشور، ریاست سپاه پاسداران، رئیس نیروی انتظامی، دادستان تهران به هزاران نامه من پاسخ دهید. نمایندگان سازمان ملل صدای مرا بشنوید! مردم ایران و جهان به من کمک کنید!

برگرفته از سایت خبری راه کارگر

بهبانه ۲۱ آذر، زاد روز شاملوی بزرگ

من به هیأت "ما" زاده شدم

بزرگا مردی که او بود . روحش جاری است و ساری در زمان و نبضش، ضربان هر آزاد اندیشی در جهان .

۲۱ آذر زادروز بزرگ مردیست که این روزها بیش از همیشه جایش خالیست . کاش بود و در شهامت و هوشمندی ملتی بزرگ ، شعری ناب میسرود و در رذالت و پستی کوتاه ببینان زمان ، طنزی برنده میساخت و بر غمهای مشترکمان ، مرتی ای تلخ میسرود .

یاد او همواره جاوید که در دش ، درد مشترکی بود که باید آنرا فریاد زد . با هم و در کنار هم .

از بیرون به درون آمدم:

از منظر به نظاره به ناظر.

سنة به هیأت گِیاهی نه به هیأت . پروانه‌یی نه به هیأت

سنگی

نه به هیأت برکعی،

من به هیأت . «ما» زاده شدم

به هیأت . پُرشکوه انسان

تا در بهار . گیاه به تماشای رنگین‌کمان . پروانه بنشینم

غرور . کوه را دریابم و هیبت دریا را بشنوم

تا شریطه‌ی خود را بشناسم

و جهان را به قدر . همت و فرصت خویش معنا دهم

که کارستانی از این دست از توان درخت و پرند و صخره و

آبشار بیرون است.

انسان زاده شدن تجسد . وظیفه بود:

توان . دوست‌داشتن و دوست‌داشته‌شدن

توان . شنفتن

توان . دیدن و گفتن

توان . انده‌گین و شادمان‌شدن

توان . خندیدن به وسعت دل،

توان . گریستن از سُویدای جان

توان . گردن به غرور برافراشتن در ارتفاع . شکوه‌ناک

فروتنی

توان . جلیل . به دوش بردن . بار . امانت و توان . غمناک

تحمل

تنهایی

تنهایی تنهایی تنهایی عریان.

انسان دشواری وظیفه است.

پنجشنبه ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹ - بالاترین ها